

دادرسی در دعاوی حقوقی مربوط به چک

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

به نوش شاکریان^۱

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

چک به عنوان یک وسیله پرداخت نقش بسیار مهمی در روابط اقتصادی اشخاص جامعه ایفا می‌کند که در صورت آشنایی با مقررات مربوط به آن با آسودگی می‌توان در کلیه معاملات از آن استفاده کرد. هدف از بررسی این موضوع، مشخص کردن دعاوی مرتبط با چک در دادگاه حقوقی و تکالیف دارنده چک و صادرکننده و ظهرنویسی در مواجهه با این دعاوی است. و با شیوه توصیفی - تحلیلی در پاسخگویی به پرسش اصلی این پژوهش که، دعاوی حقوقی مرتبط با چک کدام دعاوی هستند؟ فرضیه ذیل طرح شده است، دعاوی مختلفی را می‌توان در خصوص چک مطرح نمود که در عمل و رویه قضایی به دو دعاوی مطالبه وجه مندرج در چک به انضمام خسارتهای قانونی و دعاوی ابطال و استرداد چک بیشتر از سایر دعاوی پرداخته شده است. مبنای دعاوی مربوط به ابطال چک، ابطال ظهرنویسی و ابطال ضمانت علی‌الاصول فقدان شرایط ماهوی چک، وجود قصد و رضا و اهلیت در شخص امضا کننده است. در نتیجه اگر خواهان دعاوی ابطال، بتواند ثابت کند که در هنگام امضا، اهلیت نداشته و یا در امضا اکراه یا اجبار شده است، می‌تواند در این دعاوی پیروز گردد. از جمله دعاوی شایع دیگر در چک، دعاوی استرداد چک می‌باشد، که ممکن است بر مبنای ابطال و بی اعتباری چک به جهات فقدان شرایط ماهوی، روی دهد.

واژگان کلیدی: ابطال چک، استرداد چک، اجرائیه، قانون صدور چک، گواهینامه عدم

پرداخت

مقدمه

قانون تجارت مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ را به چک اختصاص داده است و مطابق ماده ۳۱۴ قانون تجارت بسیاری از مقررات برات شامل چک هم می شود. علاوه بر مقررات قانون تجارت که ناظر به ابعاد حقوقی چک است، قانون مستقلی تحت عنوان قانون صدور چک در سال ۱۳۵۵ تصویب گردیده است قانون صدور چک اصولاً ناظر بر جنبه کیفری چک است، اگر چه در برخی مواد آن به مسائل حقوقی چک نیز مورد لحاظ قرار گرفته است. در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲ به منظور جلوگیری از صدور بی رویه چک بلامحل قانون صدور چک اصلاح شد. اما ضمانت اجرای کیفری بازدارندگی لازم را نداشت که با افزایش حجم زیاد چک های بلامحل که هزینه و وقت زیادی را بر نظام عدالت وارد می کرد، قانونگذار اندیشه پیشگیرانه را جایگزین اندیشه سرکوبگرانه نمود و در اصلاحات ۱۳۹۷ صدور دسته چک را برای اشخاص تابع تشریفاتی نمود تا بدو افراد متقاضی دسته چک اعتبار سنجی شده و سپس صلاحیت داشتن دسته چک را داشته باشند. به علاوه چک ها دارای تاریخ و اعتبار و سقف اعتبار شده و صادرکننده چک بلامحل بعد از صدور گواهی عدم پرداخت از پاره ای حقوق محروم گشت. در جهت جلوگیری از جعل و اعتبار بیشتر چک صدور چک در وجه حامل ممنوع شد و ظهرونیسی از روش سنتی سابق که با امضای پشت چک به عمل می آمد به ثبت نام در سامانه صیاد، تحول یافت. حمایت عمده مقنن در این مقطع از چک در ماده ۲۳ این قانون متبلور شد که در آن گواهینامه عدم پرداخت چک در حکم رای دادگاه انگاشته و امکان صدور اجرائیه برای آن از طریق محاکم فراهم شد. لذا بار اثبات مدیون بودن صادرکننده از عهده دارنده برداشته و بار اثبات مشروط بودن یا تضمینی بودن و سایر ادعاها بر صادرکننده تحمیل شد. لازم به ذکر است در صورتی که در حساب کسر موجودی باشد، دارنده چک با ارائه اصل آن به بانک و تصریح به این که چه میزان دریافت داشته است می تواند میزان موجودی را دریافت کند و نسبت به مازاد، از بانک گواهی بگیرد که همین گواهی جانشین چک خواهد بود. از طرف دیگر، چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد و ممکن است به صرف امضای پشت آن به دیگری منتقل شود. پس از اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک، دارنده چک با تنظیم دادخواست به دادگاه حقوقی مراجعه می کند و پس از ثبت دادخواست زمان تشکیل جلسه دادرسی به وی ابلاغ می شود.

برای رسیدگی به این دعوی اصولاً دادگاه محل اقامت خواننده دعوی صلاحیت دارد. اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید پرداخت شود، دارنده چک حتماً باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید ظرف ۴۵ روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود و الا دارنده چک نمی‌تواند دیگر وجه آن را از ظهرنویس مطالبه نماید. بلکه فقط صادرکننده چک مسئولیت پرداخت وجه چک را خواهد داشت و دارنده چک نمی‌تواند از مزایای مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویس استفاده کند.

مبحث اول: تعریف چک و انواع آن

در این مبحث به تعریف چک و انواع آن به صورت تفصیلی می‌پردازیم.

گفتار اول: تعریف چک

ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک را چنین معرفی می‌کند: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن، صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.» اما ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ آن را سندی می‌داند که عهده بانک‌های دایر به موجب قانون ایران صادر شده باشد، یعنی چک از نظر قانون اخیر نوشته‌ای است که عهده یک بانک صادر شده باشد و به عبارت دیگر، نوشته‌ای است که محال علیه آن یک بانک است.

با توجه به دو ماده فوق و عرف موجود در ایران، چک عبارت از «ورقه‌ای است که به وسیله آن، صادرکننده مبالغی را که بانک در حساب او نگه داشته، خود برداشت می‌کند و یا به بانک دستور می‌دهد که آن را به شخص ثالث یا به حواله کرد شخص مزبور پرداخت کند.» (جعفری لنگرودی؛ ۱۳۹۸: ۶۲۹)

گفتار دوم: انواع چک در قانون صدور چک

قانون تجارت ایران تعریفی از انواع چک نمی‌کند و برای تعیین انواع چک باید به عرف و رسوم معمول در بانک‌ها و ماده یک الحاقی قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ مراجعه نمود. به طور کلی اقسام مختلف چک‌ها عبارتند از: چک عادی، چک بسته، چک تایید شده، چک تضمین شده، چک در گردش و چک مسافرتی.

بند اول: چک عادی

چک های می باشند که اشخاص بر روی بانک ها به حساب جاری خود می کشند و قبول کننده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد. چک های مزبور ممکن است در وجه شخص معین یا به حواله کرد شخص معین یا به حواله کرد شخص معین یا در وجه حامل باشد. بانک در صورتی که حساب جاری مشتری موجودی داشته باشد وجه آن را به نفع آن پرداخت می کند. (باختر ؛ ۱۳۹۸: ۳۱۷) بند یک ماده یک قانون صدور چک مقرر می دارد: « چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانک ها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمین جز اعتبار صادرکننده آن ندارد. »

بند دوم: چک های خاص

۱ - چک مسافرتی

این نوع چک نیز در ایران مقررات ویژه ای ندارد، ولی بانک مرکزی در مورد مسافرت های خارج از کشور از آن استفاده می کند.

قانون صدور چک در بند ۴ ماده یک خود به این چک اشاره کرده است. به موجب تعریفی که در بند مزبور آمده است: « چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد. » با توجه به تعریف فوق اولاً در چک مسافرتی نیز صادرکننده و محال علیه بانک است. ثانیاً در این چک نیز مانند چک نیز مانند چک نیز مانند چک تضمین شده صادر کننده و محال علیه شخصی است واحد. ثالثاً برخلاف چک تضمین شده که فقط از بانک محال علیه قابل مطالبه است دارنده چک مسافرتی می تواند وجه آن را هم از بانک محال علیه و هم از نمایندگان یا کارگزاران آن مطالبه کند. (ستوده تهرانی ؛ ۱۳۹۰: ۲۱۶) این تعریف، چک های در گردش را نیز شامل می شود. مع ذلک، در قانون صدور چک برای این نوع چک مقررات ویژه ای تعیین نشده است.

۲ - چک تایید شده

بند دوم ماده یک قانون صدور چک مقرر می دارد: « چک تایید شده، چکی است که اشخاص عهده بانک ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید می شود. » بنابراین با توجه به تعریف فوق اولاً در چک تایید شده نیز محال علیه

بانک است ثانیاً چک تایید شده نیز مانند چک عادی باید براساس حساب جاری صادر شود. ثالثاً بانک محال علیه باید پرداخت وجه چک را تایید نماید. چک دستور بدون قید و شرطی است برای پرداخت مبلغی وجه و بدون محل نمی توان چک را صادر نمود بنابراین قبولی در چک مورد ندارد ولی اشخاص ممکن است به صادرکننده چک اعتماد کافی نداشته باشند و چک را قبول نکنند، در این صورت اشخاص چک تایید شده را مورد استفاده قرار دهند. (صباغیان ؛ ۱۳۹۶: ۷۳)

۳ - چک تضمین شده

الف - چک تضمین شده بانک ملی

این چک را قانون چک های تضمین شده مصوب ۱۳۳۷ به وجود آورده است. قانون مزبور که در مجموع ۵ ماده دارد، در ماده یک خود مقرر می کند: « به بانک ملی ایران اجازه داده می شود که به تقاضای مشتریان، چکهایی به نام چک های تضمین شده که پرداخت وجه آن ها از طرف بانک تعهد شده باشد، در دسترس صاحبان حساب بگذارد. » در واقع صادرکننده ی چک مشتری بانک است و بانک به عنوان محال علیه مسئولیت دارد وجه چک « محل چک » را از حساب مشتری پرداخت کند. چون با تضمین پرداخت وجه، بانک در حقیقت محل چک را به دارنده اختصاص می دهد، نمی تواند پس از آنکه چک را در اختیار صاحب حساب گذاشت، مبلغ چک را برای پرداخت مبلغی جز پرداخت وجه چک اختصاص دهد. به این علت، با تغییر صاحب چک بر اثر ظهنروسی، محل چک به دارنده های بعدی آن اختصاص می یابد.

در تایید این مطلب، ماده ۲ قانون چک های تضمین شده مقرر می دارد: « صادرکننده و پشت نویسان حق ندارند پرداخت وجه چک تضمین شده را منع کنند یا تقاضای مسدود کردن آن را بنمایند. » ماده ۳ اخیر در تایید انتقال محل چک به دارنده صراحت بیشتری دارد: « فوت و حجر ورشکستگی صادرکننده نیز حق توقیف وجه این نوع چک را در صورتی که به نفع دیگری صادر یا پشت نویسی شده باشد، نخواهد داشت. »

ب - چک تضمین شده موضوع بند سه ماده یک قانون صدور چک

این نوع چک را بند سوم ماده یک قانون جدید صدور چک مصوب ۱۳۸۲ چنین تعریف می کند: « چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست

مشتری صادر و پرداخت آن توسط بانک تضمین می شود. « با توجه به تعریف فوق اولاً در چک تضمین شده صادرکننده و محال علیه هر دو باید بانک باشد و ثانیاً هر دو باید بانک واحدی باشد. ثالثاً چک تضمین شده فقط از بانک صادرکننده یا شعب آن قابل مطالبه است. همانطور که در بحث مربوط به چک تایید شده دیدیم، این نوع چک در حقیقت یک چک بانکی است، نه چکی که بانک آن را تضمین می کند. به علاوه تضمینی دانستن این نوع چک صحیح نیست، زیرا بانک ضامن پرداخت آن نیست، بلکه متعهد یعنی صادرکننده آن است. این نوع چک تضمین شده هنگامی مشمول تعریف ماده ۳۱۰ قانون تجارت خواهد شد که بانک آن را بر عهده شعبه خود صادر کند و اگر بانک، چک را بر روی خود صادر کند، عنوان چک نخواهد داشت. با این حال، قانونگذار با بیان این نوع چک در اصلاحات اخیر قانون صدور چک، خواسته است صادرکنندگان این نوع چک را مشمول مجازات های مذکور در قانون اخیر کند.

بند سوم: چک الکترونیکی

چک الکترونیکی یک ابزار نوین پرداخت است متشکل از امنیت، سرعت بوده و دارای فرآیند بازدهی تمام تراکنش های الکترونیکی هم گون و توام با زیرساخت قانونی گسترش یافته صحیح است قابلیت جایگزینی با چک های کاغذی در فرآیندهای تجاری را دارد. اولین بار چک الکترونیکی توسط خزانه داری ایالات متحده برای آن که پرداخت های کلان را در سطح اینترنت بسازند، به کار گرفته شد. (رضوی ؛ ۱۳۸۵: ۱۲۱) چک های الکترونیکی ویژگی های مهمی دارند، آن ها خدمات زیر را عرضه می کنند: تراکنش های بانکی را قادر می سازند تا با امنیت کافی در اینترنت به کار گرفته شوند. در بستری نامحدود ولی کنترل شده اطلاعات، صحت خود را حفظ می کنند. تقلب های ایجاد شده روی چک ها از بین می رود. تایید خودکار محتویات و صحت چک ها. خصیصه های مرسوم چک های معمولی نظیر توقف پرداخت و اصلاح آسان آن. افزایش قابلیت های نظیر فعال نمودن تاریخ پرداخت. (ساروئی نسب ؛ ۱۳۹۲: ۵۳)

بند چهارم: چک موردی

یکی از ابداعات قانونگذار در اصلاح قانون چک پیش بینی صدور چک موردی می باشد. از همین روی مطابق تبصره ۲ ماده ۶ قانون صدور چک اصلاحی سال ۱۳۹۷ امکان صدور

چنین چکی را فراهم نموده است. به منظور کاهش تقاضا برای دسته چک و رفع نیاز اشخاص به ابزار پرداخت وعده دار، بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون، ضوابط و زیرساخت خدمات برداشت مستقیم را به صورت چک موردی برای اشخاصی که دسته چک ندارند، به صورت یکپارچه در نظام بانکی تدوین و راه اندازی نماید تا بدون نیاز به اعتبارسنجی، رتبه بندی اعتباری و استفاده از دسته چک، امکان برداشت از حساب این اشخاص برای ذی نفعان معین فراهم شود. لازم به ذکر است چنین چکی از امتیازات مقرر در ماده ۵ مکرر قانون صدور چک نیز بهره مند می باشد. از همین روی قسمت اخیر ماده مذکور چنین مقرر نموده است: در صورت عدم موجودی کافی برای پرداخت چک موردی، صاحب حساب تا زمان پرداخت دین، مشمول موارد مندرج در بندهای (الف) تا (د) ماده (۵) مکرر این قانون و نیز محرومیت از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی می باشد.

مبحث دوم: دادرسی در دعاوی حقوقی مربوط به مطالبه وجه مندرج در چک و خسارات قانونی آن

در این بخش برآنیم تا شرایطی را که دارنده چک برای طرح دعاوی حقوقی مطالبه وجه مندرج در چک و کلیه خسارات قانونی باید رعایت کند را بررسی نماییم.

گفتار اول: تکالیف دارنده برای طرح دعا

طرح دعاوی حقوقی در خصوص چک، منوط به رعایت شرایطی است که دارنده موظف به رعایت آنهاست. در واقع رعایت یا عدم رعایت این شرایط و تکالیف تاثیر بسزایی در پیروزی او در دعوائی که طرح کرده است دارد. همچنین دارنده در طول جریان دادرسی و اقامه دعا دارای حقوقی است که البته رسیدن به این حقوق و مزایا بستگی به انجام وظایف مقرر در قانون توسط وی دارد.

بند اول: مطالبه در مهلت قانونی (مواعد) و ضمانت اجرای عدم رعایت آن

یکی از تکالیف دارنده برای طرح دعا مطالبه وجه آن در مهلت قانونی است. دارنده چک، بسته به محل صدور و وصول آن، در ظرف مهلت های ۱۵ روز، ۴۵ روز، ۴ ماه وجه چک را از محال علیه «بانک» مورد مطالبه قرار دهد و الا امتیازات پیش بینی شده در قانون را از دست می دهد. زیرا به موجب ماده ۳۱۱ قانون تجارت محل «مکان» صدور چک باید در

آن قید شود و براساس مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ همان قانون، اگر چک در همان محلی که صادر شده باید پرداخت شود، دارنده باید در ظرف ۱۵ روز و اگر از محلی به محل دیگر ایران صادر شده باشد، نامبرده باید در ظرف ۴۵ روز و اگر در خارجه صادر شده در ایران باید پرداخت شود. وی باید در ظرف مدت ۴ ماه از تاریخ صدور، به محال علیه مراجعه و آن را مورد مطالبه قرار دهد. چنانچه دارنده، در مهلت‌های مذکور چک را مورد مطالبه قرار ندهد: اولاً - حق طرح دعوای او علیه بعضی از مسئولین «ظهنویس» ساقط می‌شود. ثانیاً - اگر وجه چک نزد محال علیه «بانک» تامین شده باشد و وجه مذکور بنا به علی که مربوط به محال علیه است مثلاً ورشکستگی محال علیه از بین برود، حق طرح دعوای دارنده علیه صادرکننده چک به عنوان مسئولیت تضامنی نیز از بین می‌رود. ثالثاً - از آنجا که، به حکم ماده ۲۴۹ قانون تجارت تعهد ضامن از تعهد مضمون عنه تبعیت کامل می‌کند، لذا برای آنکه دارنده بتواند به ضامن رجوع کند، رعایت مهلت‌های مقرر در ماده ۳۱۵ قانون تجارت ضروری است. بعد از گذشت مهلت‌های مقرر در این ماده، اگر ضامن از صادرکننده ضمانت کرده باشد و صادرکننده وجه چک را به محال علیه رسانده باشد ولی وجه به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دارنده که حق رجوع به مضمون عنه را ندارد، حق مراجعه به ضامن را نیز از دست می‌دهد. در غیر این صورت صادرکننده مسئول است و همچنین است ضامن او اگر ضامن از ظهنویس چک ضمانت کرده باشد، پس از گذشت مهلت‌های موضوع ماده ۳۱۵ قانون تجارت دارنده دیگر حق رجوع به او را نخواهد داشت. «... نظر به این که شرایط تحقق مسئولیت ظهنویس مراجعه به بانک محال علیه ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ سررسید و طرح دعوی در مهلت یکسال از تاریخ سررسید چک می‌باشد، در خصوص مورد خوانده به تکلیف قانونی خود یعنی طرح دعوی در مهلت مقرر اقدام ننموده است و از ناحیه وی نیز ایراد یا دفاع موثری و موجهی که گسیختن دادنامه معترض عنه را ایجاب نماید به عمل نیامده لذا دادگاه ضمن رد دعوی عنوان شده دادنامه معترض عنه را عیناً تایید و استوار می‌نماید. (ایران نژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۱۵) بعد از مراجعه دارنده چک به بانک محال علیه و مطالبه وجه چک در مهلت قانونی اگر وجه چک پرداخت نشود دارنده باید اقدامات زیر را برای طرح دعوای حقوقی انجام دهد.

بند دوم: اعتراض یا احراز عدم پرداخت «اعتراض عدم تادیه» و ضمانت اجرای عدم رعایت آن

اعتراض عدم تادیه، اعتراضی است که بر اثر امتناع از پرداخت وجه چک از طرف محال علیه «بانک» به عمل می آید. هر چند که به موجب قانون تجارت چک نیز در خصوص اعتراض عدم تادیه «واخواست» از قواعد حاکم بر برات تبعیت می کند و به این لحاظ، اعتراض مذکور باید ظرف مدت ده روز از تاریخ مطالبه و عدم پرداخت به عمل آید (مواد ۳۱۴ و ۲۸۰ قانون تجارت) ولی برابر رای وحدت رویه شماره ۵۳۶ مصوب ۱۳۶۹: «... گواهی بانک محال علیه دایر بر عدم تادیه وجه چک که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شد به منزله ی واخواست می باشد...» در خصوص این رای گفته شده به استناد ماده ۳۱۴ قانون تجارت رابطه دارنده چک با ظهرنویسها تابع احکام رابطه دارنده برات با ظهرنویسها است و این گفته که «واخواست برات و سفته ارتباطی با چک پیدا نمی کند.» بی گمان خلاف قانون است. رای ذیل موید این امر است که مهلت اعتراض یا احراز عدم پرداخت برابر رای وحدت رویه مذکور ۱۵ روز است نه ده روز. «... مسئولیت ظهرنویس در مورد چک وقتی محرز و محقق می گردد که وفق مقررات و شرایط مندرج در ماده ۳۱۵ قانون تجارت. دارنده چک در ظرف مهلت ۱۵ روز به بانک محال علیه مراجعه و گواهی صادره، از طرف بانک دایر بر عدم تادیه وجه چک به منزله ی واخواست می باشد اخذ نمایی. نظر به اینکه چک شماره... به عهده بانک... در تاریخ... صادر و در همان روز خواهان به بانک محال علیه مراجعه و گواهینامه عدم پرداخت اخذ ننموده و با این کیفیت شرایط مندرج در ماده ۳۱۵ قانون تجارت، محرز و مسئولیت ظهرنویس ثابت است...»

اگر دارنده چک برای وصول چک برای وصول وجه آن به بانک مراجعه نکند و گواهی عدم پرداخت دریافت ننماید به عنوان ضمانت اجرا می توان گفت که چک مزبور دیگر به عنوان یک سند تجاری محسوب نمی شود و واجد مزایای اسناد تجاری نیست بلکه می توان آن را به عنوان یک سند عادی در نظر گرفت. بنابراین دیگر ظهرنویس و ضامن وی مسئولیتی ندارند و دارنده نمی تواند علیه آنها طرح ثعوا نماید، ولی اقدام علیه صادرکننده چک به نظر بلامانع می رسد. زیرا صادرکننده با امضا ذیل چک متعهد به پرداخت وجه مندرج در آن گردیده است و النهایه می توان آن را به عنوان یک طلب مدنی دانست. (حسنی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳)

بند سوم: طرح دعوا در مهلت قانونی « مرور زمان » و ضمانت اجرای عدم رعایت آن

دعوا علیه مسئولین پرداخت وجه چک بلامحل باید در مهلت مقرر قانونی، در دادگاه مطرح شود و الا دعوای مذکور مشمول مرور زمان می گردد. در خصوص شمول مرور زمان در دعوای چک باید گفت: گذشته از این که قانون تجارت نسبت به قانون آیین دادرسی مدنی جنبه خاص داشته و لازم الرعایه است، با در نظر گرفتن ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین با توجه به بند ۱۱ ماده ۸۴ همین قانون خوانده ی دعوای چک می تواند با تمسک به مرور زمان های پیش بینی شده در قانون تجارت، نسبت به دعوای مطروحه ایراد کند. شایان ذکر است که رویه ی قضایی حتی قبل از تصویب رسیدن قانون آیین دادرسی مدنی، راجع به شمول مرور زمان در خصوص اسناد تجاری، از جمله در مورد چک تردیدی به خود راه نداده است. (شمس، ۱۳۹۴، ص ۲۷۳)

الف - مرور زمان های یک ساله و دو ساله و ضمانت اجرای آن

چنانچه دارنده چک بخواهد حق مذکور در ماده ۲۴۹ قانون تجارت در مورد طرح دعوا علیه صادرکننده و ظهرنویس چک را برای خود محفوظ نگهدارد، باید بسته به مورد و با لحاظ نمودن تبصره ماده ۲۸۶ قانون تجارت، در ظرف یکسال و یا دو سال پس از اعتراض عدم تادیه، مبادرت به طرح دعوا نماید. همین طور است در مورد ظهرنویسی که بخواهد علیه صادرکننده چک و ظهرنویس های ماقبل خود دعوا کنند. بنا به مراتب بالا اگر دارنده بخواهد علیه مسئولین پرداخت در چک دعوای مطالبه وجه را به نحو تضامنی مطرح نماید بایستی اگر محل تادیه چک در ایران است در ظرف یکسال و اگر تادیه در خارج است در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض عدم تادیه، طرح دعوا نماید در غیر این صورت حق اقامه دعوا علیه ظهرنویس را از دست می دهد و تنها می تواند علیه صادرکننده اقامه دعوا نماید. همچنین است اقدام و طرح دعوی ظهرنویس علیه صادرکننده و ظهرنویسان ماقبل خود.

ب - مرور زمان پنج ساله و ضمانت اجرای آن

بنابر ماده ۳۱۸ قانون تجارت، چنانچه چک دارای وصف صدور « از طرف تجار » یا « برای امور تجارتی » باشد، دارنده ی آن تا ۵ سال از تاریخ صدور اعتراض نامه « واخواست » و یا آخرین تعقیب قضایی می تواند علیه صادرکننده چنین چکی طرح دعوا نماید، مگر این

که در این مدت رسماً اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت، مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض، مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مدت اعتراض شروع می شود. هر چند که در ماده ۳۱۸ قانون تجارت از مطلق «دعوا» نام برده شده و «دعوا» می تواند علیه کلیه مسئولین پرداخت وجه چک از جمله علیه ظهرنویس مطرح شود، ولی با در نظر گرفتن مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت که مفاداً حکایت از عدم امکان طرح دعوا علیه ظهرنویس پس از سپری شدن مهلت های یکسال یا دوسال مذکور در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت اقدام به طرح دعوا علیه ظهرنویس نکرده باشد، بعد از آن در مورد نمی تواند از مدت زمان مذکور در ماده ۳۱۸ قانون تجارت به سود خود بهره مند شود. (عرفانی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۹)

ج - مرور زمان ده ساله و ضمانت اجرای آن

براساس ماده ۳۱۴ و ۳۱۹ قانون تجارت و در صورت انقضای مدت ۵ سال مذکور در ماده ۳۱۸ قانون تجارت دارنده چک می تواند علیه کسی که به ضرر او استفاده ی بلاجهت کرده است طرح دعوا نماید. استفاده بلاجهت در خصوص چک، مصادیق متعددی می تواند داشته باشد، از جمله در مورد: ۱ - صادرکننده: وقتی که صادرکننده، وجه چک را به محال علیه نرسانده باشد و محال علیه وجه چک را به دارنده ی آن پرداخت کرده باشد. ۲ - محال علیه: زمانی که وجه چک را به محال علیه پرداخته ولی محال علیه از پرداخت آن به دارنده ی سند مذکور خودداری کرده است. ۳ - ظهرنویس: هنگامی که ظهرنویس چک، به طریق محاسبه یا عنوان دیگر، وجهی را که به محال علیه رسانده بود مسترد داشته است. (ستوده تهرانی، ۱۳۹۹، ۱۹۳)

بند چهارم: طرح دعوا در دادگاه صالح

در این بند به بررسی مراجع صالح از حیث صلاحیت ذاتی و محلی برای اجرای گواهینامه عدم پرداخت می پردازیم.

الف - صلاحیت ذاتی

مرجع صالح برای عدم پرداخت از حیث صلاحیت ذاتی: صلاحیت ذاتی در امور حقوقی حق و تکلیف این مراجع با توجه به صنف و نوع و درجه آن ها در رسیدگی به دعاوی و صدور رای به حکم قانون است. (شمس؛ ۱۳۹۴:۳۷۷) به موجب ماده ۹ قانون شورای حل

اختلاف، شورای حل اختلاف در رسیدگی به دعاوی مالی با خواسته تا دویست میلیون ریال صلاحیت دارد و دعاوی با خواسته بالای این مبلغ در صلاحیت محاکم دادگستری است. همچنین به موجب ماده ۲۹ قانون شورای حل اختلاف، اجرای آرای قطعی در امور مدنی به درخواست ذی نفع و با دستور قاضی شورا پس از صدور برگ اجرائیه مطابق مقررات مربوط به اجرای احکام مدنی.... به عمل می آید. « سوالی که در این جا مطرح می شود آن است که عبارت دادگاه در ماده ۲۳ قانون صدور چک آیا دارای موضوعیت است ؟ و در نتیجه مبلغ چک چه زیر دویست میلیون ریال و چه بالای دویست میلیون ریال باشد، اجرای مفاد گواهینامه عدم پرداخت با دادگاه است ؟ و یا این که چون قانونگذار در مقام بیان صلاحیت نبوده، عبارت دادگاه را باید حمل بر مسامحه نموده و قائل به این باشیم که اجرای مفاد گواهینامه عدم پرداخت در چک با مبلغ تا نئست میلیون ریال با اجرای احکام شورای حل اختلاف و در اجرائیه بالای آن در صلاحیت دادگاه باشد ؟ پاسخ آن است که لفظ دادگاه در عبارات ماده ۲۳ قانون صدور چک دارای موضوعیت به اجرای حکم یا گزارش اصلاحی هستند و مواردی از قبیل رای داور یا رای هیات های تشخیص و حل اختلاف اداره کار و نیز گواهینامه عدم پرداخت چک ولو مبلغ آن ها کمتر از دویست میلیون ریال باشد توسط اجرای احکام شورای حل اختلاف قابل اجرا نیست.

ب - صلاحیت محلی

رای شماره: ۶۶۹ - ۱۳۸۳/۷/۲۱

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

در رویه متداول سیستم یکپارچه بانکها، به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید. بنابراین در صورت مراجعه دارنده چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع الیه، بزه صدور چک بلامحل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود و به عقیده اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می گردد. این رأی براساس ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری)، برای کلیه شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه، لازم الاتباع می باشد.

شماره ۴۴۸۹/ و/ ح ۱۳۸۳/۸/۲۵

پرونده وحدت رویه ردیف: ۱۶/۸۲ هیأت عمومی بسمه تعالی محضر مبارک حضرت آیه الله مفید دامت برکاته ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عالی کشور با احترام، معروض می‌دارد:

دادرس محترم شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان طی نامه شماره ۴/ش/۱۱ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۳ اعلام نموده است در مورد تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به اتهام بزهکاران صدور چک بلامحل، از نوع سیبا (سیستم یک پارچه بانک ملی ایران) از شعب سی‌وسوم و سی‌وپنجم دیوان عالی کشور آراء مختلف صادر گردیده و تقاضا نموده است که موضوع جهت اتخاذ تصمیم مناسب قانونی در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گیرد که جریان پرونده‌های مورد نظر به شرح ذیل گزارش می‌گردد:

۱ - در پرونده کلاسه ۸۴۴۵/۱۶ شعبه سی‌وسوم دیوان عالی کشور، شعبه دوم دادگاه عمومی ابرکوه بموجب دادنامه شماره ۳۰۹ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۹ در مورد شکایت آقای محمدعلی فلاح‌زاده فرزند حسین علیه آقای حسین عنایتی فرزند ماشاءالله دایر به صدور یک فقره چک بلامحل شماره ۰۰۳/۵۶۴۸۲۵ - ۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۶/۱۰ عهده جاری ۰۱۰۰۵۰۳۴۸۱۰۰۳ سیبای بانک ملی نورآباد لرستان به مبلغ ۱۳۶/۵۰۰/۰۰۰ ریال که در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ در شعبه ۷۵۲۱ بانک ملی ابرکوه به علت کسر موجودی به صدور گواهینامه عدم پرداخت منتهی گردیده است، بلحاظ عدم دسترسی به متهم و استقرار بانک محال علیه در نورآباد لرستان به شایستگی محاکم عمومی نورآباد لرستان قرار عدم صلاحیت صادر نموده است.

پرونده پس از وصول به حوزه قضایی اخیر الذکر جهت رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان - نورآباد ارجاع و به صدور دادنامه ذیل منتهی گردیده:

درخصوص شکایت آقای محمدعلی فلاح‌زاده... علیه آقای حسین عنایتی... به اتهام صدور یک فقره چک سیبا (سیستم یک پارچه بانک ملی ایران)... با عنایت به اینکه در مانحن فیه، چک مذکور... قابلیت واریز نمودن وجه به حساب یا برداشت وجه از حساب بانکی به وسیله چک در کلیه شعب بانک ملی سراسر کشور را دارا می‌باشد و صاحب حساب یا دارنده چک جهت وصول وجه چک می‌تواند به هریک از شعب بانک ملی سراسر کشور مراجعه و در صورت ارائه چک توسط دارنده چک و مواجه شدن با چنین امری مبادرت به صدور گواهی

عدم پرداخت به درخواست دارنده چک می‌نمایند، بنابراین برخلاف استدلال شعبه دوم دادگاه عمومی ابرکوه که صرفاً بانک ملی شعبه نورآباد لرستان را به دلیل استقرار بانک محال علیه تلقی نموده به نظر می‌رسد که در مانحن فیه کلیه شعب بانک ملی سراسر کشور در حکم واحد بوده و بانک محال علیه تلقی می‌شوند... و اینکه شاکی و مشتکی عنه در شهرستان ابرکوه ساکن هستند لذا با اعتقاد به عدم صلاحیت محلی خود به شایستگی محاکم عمومی ابرکوه قرار عدم صلاحیت صادر و در اجرای ماده ۵۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ناظر به تبصره ماده ۲۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال گردد.

پس از ارسال پرونده به دیوان عالی کشور، اعضای محترم هیأت شعبه سی‌وسوم به موجب دادنامه ۳۱۰ - ۱۳۸۱/۴/۲۴ به ترتیب ذیل حل اختلاف نموده‌اند:

با توجه به محتویات پرونده و عنایتاً به اینکه چک سیبا (سیستم یک پارچه بانک ملی ایران) با چک‌های دیگر صرفاً در مهلت وصول است که سیبا در کلیه شعب بانک مذکور و بدون وقفه پرداخت می‌شود ولی در سایر شرایط مشترکند نظریه شعبه دوم دادگاه عمومی ابرکوه صائب است لذا با تأیید آن به صلاحیت رسیدگی شعبه چهارم نورآباد دلفان حل اختلاف می‌گردد.

۲ - حسب محتویات پرونده کلاسه ۸۲۹۸/۱۰ شعبه سی‌وپنجم دیوان عالی کشور، آقای محمدعلی فلاح‌زاده در پرونده دیگری علیه آقای حسین عنایتی به‌صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ۰۰۳/۵۶۴۸۲۵ - ۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۶/۱۰ از عهده جاری شماره ۰۱۰۰۵۰۳۴۸۱۰۰۳ سیبا بانک ملی ایران شعبه نورآباد که در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ در بانک ملی ۷۵۲۱ شعبه ابرکوه به علت کسر موجودی به صدور گواهی عدم پرداخت شماره ۲۵۳۱۲۷ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ منجر شده است به حوزه قضایی ابرکوه شکایت نموده است که شعبه چهارم دادگاه عمومی این حوزه طی دادنامه ۱۳۵۰ - ۱۳۸۰/۱۱/۳۰ با عنایت به اینکه بانک محال علیه در خارج از حوزه قضایی ابرکوه می‌باشد به شایستگی دادگاه عمومی نورآباد لرستان قرار عدم صلاحیت صادر نموده است این بار نیز پرونده در شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان مطرح و شعبه مزبور با استدلالاتی که قبلاً بعمل آورده بوده و در گزارش پرونده شعبه سی‌وسوم دیوان عالی کشور مفصلاً منعکس گردیده است با نفی

صلاحیت خویش، پرونده را جهت حل اختلاف و تعیین دادگاه صلاحیت دار قانونی به دیوان عالی کشور ارسال نموده که پس از ارجاع به شعبه سی و پنجم طی دادنامه ۳۴۲ - ۱۳۸۱/۸/۲۳ بشرح ذیل اتخاذ تصمیم بعمل آمده است:

با توجه به اوراق پرونده و با توجه به اینکه گواهی عدم پرداخت وجه چک از بانک ملی ایران شعبه ابرکوه صادر گردیده است و با توجه به اینکه چک مورد شکایت بشرح منعکس در قرار عدم صلاحیت صادره مورخه ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان از جمله چکهایی است که در تمام شعب بانک ملی ایران قابل پرداخت است علیهذا همانطور که در قرار عدم صلاحیت شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان استدلال شده است صرفنظر از صحت و سقم شکایت عنوان شده و بر فرض اینکه درخصوص مورد، ارتکاب بزهی متصور باشد دادگاه عمومی ابرکوه صالح به رسیدگی خواهد بود و با اعلام صلاحیت مرجع مذکور در موضوع مورد اختلاف، حل اختلاف می نماید.

همانطور که ملاحظه می فرمایند: شعب سی و سوم و سی و پنجم دیوان عالی کشور نسبت به تعیین دادگاه واجد صلاحیت رسیدگی به اتهام صادرکنندگان چک بلامحل از نوع سیبا (سیستم یک پارچه بانک ملی ایران) با استنباط از مقررات قانونی آراء مختلف صادر نموده اند بطوری که شعبه سی و سوم دادگاه محل افتتاح حساب سیبا و صدور دسته چک و شعبه سی و پنجم دادگاه محل صدور گواهی عدم پرداخت را برای رسیدگی به اتهام صدور چک بلامحل سیبا صالح دانسته اند لذا در اجرای ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) استدعا دارد موضوع در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور جهت صدور رأی وحدت رویه و ایجاد رویه قضایی واحد مطرح شود.

به تاریخ روز سه شنبه: ۱۳۸۳/۷/۲۱ جلسه وحدت رویه قضائی هیأت عمومی دیوان عالی کشور، به ریاست حضرت آیت الله مفید رئیس دیوان عالی کشور، و با حضور حضرت آیت الله دری نجف آبادی دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان: رؤسا و مستشاران و اعضاء معاون شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده مبنی بر: (۰۰۰ درخصوص پرونده وحدت رویه: ۱۶/۸۲ هیأت عمومی با توجه به گزارش معاونت محترم قضایی و آرای صادره از شعب سی و سوم و سی و پنجم دیوان عالی کشور در مورد تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به اتهام بزهکاران صدور چک بلامحل از نوع حساب سیبا، نظریه دادستان محترم

کل کشور حضرت آیت الله دری نجف آبادی به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

اولاً: برخلاف مفاد ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ که مقرر داشته صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل داشته باشد، به موجب ماده ۳ قانون اصلاح موادی از قانون چک مصوب ۱۳۸۲/۶/۲ مقرر گردیده: (صادر کننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد) و لذا ممکن است که صادر کننده چک هنگام صدور مبلغ مندرج در آن را در حساب نداشته باشد و تخلفی مرتکب نشده اما تاریخ مراجعه به بانک که معمولاً همان تاریخ سررسید و یا بعد از آن است در صورت بلامحل بودن چک، جرم تحقق یافته و در حقیقت محل وقوع جرم حوزه بانک صادرکننده گواهی عدم پرداخت خواهد بود.

ثانیاً: به موجب ذیل ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی، خواهان اختیار دارد به دادگاهی رجوع کند که قرارداد در حوزه آن واقع شده و یا اجرای تعهد می‌بایست در حوزه آن انجام شود.

ثالثاً: فرقی بین چک‌های سیبا و معمولی از لحاظ شمول مقررات نبوده و تأسیس حساب جاری سیبا و امثال آن با هدف بهینه کردن خدمات بانکی و ایجاد رفاه برای مردم بوده و تحقق این امر مستلزم وجود اعتبار و پشتوانه قوی قضایی می‌باشد تا با صدور گواهی عدم پرداخت و بلامحل بودن چک، دارنده آن بتواند پیگیری قضایی نماید.

با توجه به مراتب مذکور رأی صادره از شعبه سی‌وپنجم دیوان عالی کشور را نزدیکتر به موازین قانونی و مصالح عامه تشخیص داده و مورد تأیید می‌باشد. (بازگیر ؛ ۱۳۹۷: ۲۱۱ الی ۲۱۳)

بند پنجم: دادخواست، و ضمانت اجرای فقدان آن

یکی از شرایطی که دارنده چک برای احقاق حق خود و طرح دعوا علیه مسئولین باید انجام دهد دادن دادخواست به دادگاه صالح است. رسیدگی دادگاه، علی‌الاصول، مستلزم « اقامه دعوی » و در واقع تقدیم دادخواست است. قضات دادگاه‌ها موظفند به دعاوی اقامه شده رسیدگی نموده و حکم شایسته صادر نمایند، دادگاه در صورتی می‌تواند به دعوای مدنی یا جنبه مدنی امر کیفری رسیدگی نماید که دادخواست تقدیم شده باشد. (شمس، ۱۳۹۴، ص ۳۶)

شرایط دادخواست و ضمانت اجرای آن در مواد ۵۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده است. ۱- تنظیم بر برگ چاپی مخصوص ۲- تنظیم به زبان فارسی ۳- امضای دادخواست دهنده ۴- نام و اقامتگاه خواهان ۵- نام و مشخصات خوانده ۶- تعیین خواسته و بهای آن، در دعوای حقوقی مربوط به چک خواسته عبارتند از مطالبه وجه « مبلغ » مندرج در چک به انضمام کلیه خسارات قانونی اعم از هزینه ی دادرسی، حق الوکاله ی وکیل و خسارات تاخیر تادیه و همچنین بدو صدور قرار تامین خواسته. با توجه به مالی بودن دعوای مزبور خواسته نیاز به تقویم ندارد و اعتراض نسبت به آن مطرح نمی شود. ۷- تعهدات یا جهت دیگر استحقاق خواهان ۸- آنچه مدعی از دادگاه درخواست دارد. ۹- ادله و وسایل اثبات دعوا ۱۰- پیوست های دادخواست.

در دعوای حقوقی مطالبه وجه مندرج در چک و خسارات قانونی منظور از خوانده همان مسئولین پرداخت در چک است که عبارتند از: الف - صادرکننده ب - ظهرنویس ج - ضامن.

دادخواست باید به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه ی اول تسلیم شود. مدیر دفتر کل دادگاه باید فوری پس از ثبت دادخواست، آن را به نظر رئیس شعبه ی اول یا معاون وی برساند تا به هر شعبه ای که مصلحت بداند ارجاع نماید. دادگاه چنانچه پرونده را کامل تشخیص دهد، دستور می دهد تا وقت دادرسی تعیین شود، مدیر دفتر با توجه به دفتر اوقات، وقت جلسه را تعیین نموده و در پرونده نوشته و آن را به دفتر دادگاه بر می گرداند. دفتر دادگاه به موجب اختاریه ای وقت دادرسی تعیین شده را به خواهان و خوانده ابلاغ می نماید. در دعوای مدنی مطالبه وجه چک اگر خوانده مجهول المکان اعلام شده باشد آیا ابلاغ اوراق دعوا به نشانی بانکی او کافی است یا باید برای ابلاغ آگهی منتشر گردد؟

نظر اکثریت: آنچه ماده ۲۲ قانون صدور چک مقرر نموده امری استثنایی است از این رو تنها در دعوای کیفری صدور چک بی محل کاربرد دارد. در دعوای مدنی وقتی که در دادخواست خوانده مجهول المکان اعلام شده، مقررات ابلاغ مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی لازم الرعایه است. بنابراین ابلاغ اوراق در نشانی بانکی کافی نیست، خوانده دعوای مدنی ضمن دعوای کیفری طرح شده باشد یا به طور مستقل.

نظر اقلیت: نشانی بانکی، نشانی قراردادی صادرکننده چک است و مطابق ماده ۱۰۱۰

قانون مدنی نسبت به دعاوی راجع به آن، اقامتگاه محسوب و هر ابلاغی که در رابطه با چک به نشانی مذکور صورت گیرد معتبر است. چنانچه بانک وقتی گواهی عدم پرداخت صادر می کند مکلف است نسخه دوم آن را به همین نشانی برای صادر کننده ارسال نماید. مقررات مادتين ۱۵ و ۲۲ همان قانون نیز موید مطلب مذکور است زیرا ماده ۱۵ مقرر نموده که دارنده چک می تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری از مرجع رسیدگی مطالبه کند و ماده ۲۲ تصریح نموده هرگونه ابلاغی به نشانی بانکی به عمل می آید و هموم لفظ هرگونه دعاوی مذکور در قانون صدور چک را شامل می شود هم دعاوی کیفری و هم دعاوی مدنی. (کاویانی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۵)

الف - حقوق اصحاب دعوا در اولین جلسه دادرسی

۱ - ایرادات: بیشتر ایرادات به موجب ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی از جمله دفاعیات خوانده شمرده شده و معمولاً خوانده به طرح آنها اقدام می نماید.

۲ - کاهش یا افزایش خواسته، تغییر درخواست یا نحوه دعوا: به موجب ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی: « خواهان می تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند، ولی افزودن آن یا تغییر نحوه ی دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعاوی طرح شده مربوط بوده و منشا واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آنرا به دادگاه اعلام کرده باشد. » مثلاً، چنانچه خواسته ی خواهان مطالبه مبلغ مندرج در چک به میزان ده میلیون ریال است آن را به میزان پنج میلیون کاهش دهد. (قائم مقام فراهانی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳)

۳ - جلب شخص ثالث: خواهان، مانند خوانده، می تواند در صورتی که جلب شخص ثالثی را که لازم بداند، تا پایان جلسه اول دادرسی، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه، با تقدیم دادخواست، از دادگاه درخواست جلب او را بنماید، تفاوتی نمی نماید که دعوا در مرحله ی نخستین یا تجدیدنظر باشد.

۴ - استرداد دادخواست: بند الف ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی در این باره مقرر می دارد: « خواهان می تواند تا اولین جلسه ی دادرسی دادخواست خود را مسترد کند در این صورت، دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می نماید. » همان طور که ملاحظه می گردد استرداد دادخواست توسط دارنده چک « خواهان » فقط تا پایان جلسه ی اول قابل

قبول است. خواهان پس از استرداد دادخواست، دوباره می تواند، هر زمان دادخواست را تجدید نماید.

۵ - تعرض به اصالت سند: اظهار تردید یا انکار نسبت به دلایل و اسناد ارائه شده حتی امکان باید تا اولین جلسه دادرسی، به عمل آید... « چنانچه خواهان مایل باشد نسبت به اسناد عادی که خوانده در اولین جلسه ی دادرسی ارائه نموده انکار یا تردید نماید، باید این اقدام را در همان جلسه بنماید مگر اینکه با توجه به ملاک ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی درخواست مهلت نماید. قانونگذار در ماده ۲۱۷ قانون مزبور به این امر اشاره نموده که چنانچه اسنادی، به تجویز دادگاه و با رعایت قانون، پس از اولین جلسه ارائه گردید اظهار انکار و تردید نسبت به آنها باید در همان جلسه، به قید استمهال مطرح شود. ادعای جعل نسبت به اسنادی که خوانده در جلسه ی اول دادرسی ارائه می نماید از حقوق خواهان است که در صورت تمایل به اعمال آن، حتی الامکان، در اولین جلسه دادرسی، یعنی در اولین اظهاری که پس از ارائه اسناد می نماید، باید انجام شود. به عنوان مثال چنانچه خوانده سندی ارائه نماید که در قید شده که خواهان به میزان مبلغ مندرج در چک از خوانده به صورت نقد گرفته و خواهان موظف بوده چک را مسترد نماید، خواهان می تواند نسبت به امضای خود ذیل سند مزبور ادعای انکار یا جعل نماید.

۶ - طرح دعوای متقابل: خوانده می تواند در مقابل ادعا خواهان اقامه دعوا نماید. چنین دعوایی، تحت شرایطی که در ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده دعوی متقابل نامیده می شود.

ب - تکالیف اصحاب دعوی در اولین جلسه دادرسی

مهم ترین تکلیف اصحاب دعوا در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده و آن ارائه اصول مستندات است. و به موجب ماده ۲۰۳ قانون مذکور اصحاب دعوی مکلف به اعلام وجود دعوی مرتبط می باشند.

۱ - تکلیف به ارائه اصول مستندات و ضمانت اجرایی آن: به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان باید اصول اسنادی که رو گرفت یا رونوشت آنها را پیوست دادخواست نموده « چک و گواهی عدم پرداخت » در جلسه دادرسی حاضر نماید. چنانچه خواهان مایل نباشد و یا نتواند در دادگاه حاضر شود، باید اصول اسناد خود را به وکیل یا

نماینده ی خود داده تا در دادگاه همراه داشته باشند و اگر خوانده درخواست نماید ارائه نمایند. نماینده خواهان، می تواند غیر وکیل دادگستری باشد.

۲ - تکلیف اصحاب دعوا در اعلام وجود دعوای مرتبط: به موجب ماده ۱۰۳ قانون مذکور، اگر دعوای دیگری که ارتباط کامل با دعوای طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشند، دادگاه به تمامی آنها توأمأ رسیدگی می کند. چنانچه دعوای مرتبط در چند شعبه مطرح باشند، در یکی از شعب، با تعیین رییس شعبه ی اول، توأمأ رسیدگی می شود. ماده مزبور اصحاب دعوا یا وکلای آن را مکلف نموده است که دادگاه را از وجود دعوای مرتبط مستحضر نمایند. سوالی ممکن است مطرح شود و آن اینکه در خصوص چک چه دعوای مرتبطی ممکن است متصور باشد؟ در جواب باید بیان داشت به عنوان مثال ممکن است همزمان با اینکه خواهان دعوای مطالبه وجه را علیه مسئولین پرداخت مطرح نموده است هر یک از مسئولین نیز دعوای ابطال چک یا استرداد چک را مطرح نموده باشند. در اینجا با توجه به اینکه دودعوی مزبور ارتباط کامل با یکدیگر دارند و اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری است، تکلیف مقرر در ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی برای اصحاب دعوا ایجاد می شود. (مسعودی تفرشی، ۱۳۹۳، ص ۷۲)

بند ششم: رسیدگی دادگاه

چنانچه استرداد دخواست، استرداد دعوی، پذیرش ادعای خواهان، سازش واقع نگردد، دادگاه برای خاتمه دعوا دادرسی را ادامه داده و اقدام به صدور رای می نماید. پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه در همان جلسه انشا رای نموده و به اصحاب دعوا اعلام می نماید در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته انشا و اعلام رای می کند. چنانچه رای دادگاه غیابی بوده و محکوم علیه مجهول المکان باشد، مفاد رای به وسیله ی آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز یا محلی با هزینه ی خواهان برای یکبار به محکوم علیه ابلاغ خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی، تاریخ ابلاغ رای محسوب می شود.

رای که با حضور خوانده، یا با دفاع اوع صادر می شود را رای حضوری می نامند. رای دادگاه اصولاً حضوری است مگر اینکه خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده ی قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا خطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد. یکی از طرق شکایت از آراء صادره از سوی محاکم

تجدیدنظر خواهی است. یعنی در صورتی که حکم صادره بر ضرر خواهان یا خوانده صادر شود هر یک از آنها در صورت وجود شرایط می توانند نسبت به آن حکم اعتراض نمایند. در دعوای مطالبه وجه مندرج در چک با توجه به مالی بودن این دعوا، اگر خواسته ی خواهان کمتر از سه میلیون ریال باشد حکم صادره قطعی بوده و قابلیت تجدیدنظر خواهی را ندارد. (زینالی، ۱۳۹۸، ص ۲۴۱)

مبحث سوم: دادرسی در دعوای حقوقی مربوط به ابطال چک، ظهرنویسی، ضمانت و استرداد چک

در این بخش برآنیم تا دعوای حقوقی ابطال چک، ابطال ظهرنویسی، ابطال ضمانت و استرداد چک را بررسی نموده و شرایطی را که خواهان هر یک از این دعوای برای رسیدن به حق خود باید انجام دهند را بیان نماییم. در واقع هدف این است که شیوه عملی طرح دعوا بیان شود ولی در همین ابتدای بحث نکته ای قابل ذکر است و آن این که با توجه به اینکه اکثر مطالب بخش قبلی یعنی دعوای مطالبه وجه که عمدتاً مسائل مربوط به آیین دادرسی می باشد مختص به دعوای مطالبه وجه نبوده و در سایر دعوای و از جمله دعوای ابطال چک، ابطال ظهرنویسی، ابطال ضمانت و استرداد چک کاربرد دارد و بر آن منطبق می باشد لذا برای پرهیز از اطاله کلام و مباحث تکراری فقط به قواعد اختصاصی مربوط به این دعوای بیان شده و در سایر موارد به مطالب بخش دوم ارجاع داده می شود. بنابراین در این بخش در گفتار اول به دعوای ابطال چک و ابطال ظهرنویسی و ابطال ضمانت اختصاص می دهیم و گفتار دوم به دعوای استرداد چک خواهیم پرداخت.

گفتار اول: ابطال چک و ابطال ظهرنویسی و ضمانت

دعوی ابطال چک و ابطال ظهرنویسی و ابطال ضمانت سه دعوای حقوقی کاملاً مستقل محسوب می شود، اما با توجه به اینکه تمامی قواعدی که در دعوای ابطال چک وجود دارد در دعوای ابطال ظهرنویسی و ضمانت هم بکار می رود.

۱ - شرایط اقامه دعوا: اقامه دعوی که خود یک عمل حقوقی محسوب می شود مستلزم وجود شرایطی است که در صورت فقدان آنها دادگاه به دعوای مطروحه رسیدگی نمی کند. این شرایط عبارتند از: الف - نفع ب - سمت ج - اهلیت.

۲ - دادگاه صالح: شخص دارای نفعی که برای احقاق حق خود مایل به مراجعه به دادگاه

و طرح دعواست باید مقررات قانونی را رعایت نماید. یکی از مهمترین این مقررات قواعد مربوط به صلاحیت دادگاه هاست. بنابراین ذینفع دعوای ابطال دادخواست خود را باید به دادگاه صالح تسلیم نماید. از منظر قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی دعوای ابطال در صلاحیت مراجع قضایی عمومی بدوی است. از منظر قواعد مربوط به صلاحیت محلی به توجه به ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه محل اقامت خوانده به عنوان اصل و قاعده عام صلاحیت قابل پذیرش است. ماده ۱۱ قانون مذکور بیان می دارد: «دعا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه ی قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد...» ضمناً با توجه به اینکه دعوای ابطال را مالی دانستیم شورای حل اختلاف حقوقی محل اقامت خوانده صلاحیت رسیدگی به دعوای مزبور را تا خواسته ی حداکثر ۲۰ میلیون ریال در روستا و ۵۰ میلیون ریال در شهر دارا می باشد «بند ۱ ماده ۱۱ شورا» بنابراین با توجه به بند ۱ ماده ۱۱ قانون شورای حل اختلاف دعوای حقوقی ابطال با مبلغ بیش از ۵۰ میلیون ریال در صلاحیت دادگاه عمومی محل اقامت خوانده می باشد.

۳ - دادخواست: یکی از شرایطی که مدعی ابطال برای احقاق حق خود و طرح دعوا علیه مسئولین باید انجام دهد دادن دادخواست است. در واقع رسیدگی دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست است. دادخواست باید شرایط مورد نظر قانونگذار را دارا باشد. که در ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده اند. در رابطه با این شرایط در بخش دوم توضیح داده ایم و برای جلوگیری از اطاله کلام فقط به شرح تعیین خواسته و بهای آن می پردازیم. تعیین خواسته و بهای آن: خواهان باید خواسته خود را در قسمت مربوط آن در دادخواست مشخص نماید. همچنین با توجه به این که دعوای ابطال را از دعوای مالی دانستیم خواهان باید علاوه بر خواسته، بهای آنرا در دادخواست تصریح کند. تعیین بهای خواسته به مفهوم مشخص کردن ارزش ریالی یا تقویم آن به ریال، وجه کشور می باشد. در تمام مواردی که خواسته وجه رایج ایران است تقویم آن موضوعاً منتفی بوده و نوشتن مبلغ مورد تقاضا کفایت می کند. مثال اگر خواهان ابطال یک فقره چک یا ابطال ظهرنویسی یا ضمانت چکی است که وجه مندرجدر آن بیست میلیون ریال است، بهای خواسته همان بیست میلیون ریال محسوب می شود که مبنای تعیین هزینه دادرسی،

تجدیدنظر خواهی، صلاحیت دادگاه و... قرار می گیرد. اگر وجه چک رایج باشد « چکهای ارزی » بحث بهای خواسته مطرح می شود و خواهان مکلف است براساس نرخ رسمی بانک مرکزی در تاریخ تقدیم دادخواست آنرا مورد ارزیابی قرار داده و بهای آن را در دادخواست قید نماید. بنابراین در دعوای حقوقی ابطال چک که از سوی صادرکننده طرح می شود خواسته عبارت است از: ۱ - ابطال چک به مبلغ... و همچنین بدواً توقیف عملیات اجرایی با انضمام کلیه خسارات قانونی اعم از هزینه دادرسی، حق الوکاله و... ۲ - در دعوای ابطال ظهرنویسی که از سوی ظهرنویس اقامه می شود خواسته می شود، ابطال ظهرنویسی چک به مبلغ... و همچنین بدواً توقیف عملیات اجرایی با انضمام کلیه خسارات قانونی اعم از هزینه دادرسی، حق الوکاله و... ۳ - دعوای ابطال ضمانت که از سوی ضامن اقامه می شود به شرح بالا نوشته می شود. در ذیل هر یک از خواسته های مذکور بررسی می شوند.

نخست - ابطال چک و ابطال ظهرنویسی و ضمانت یکی از خواسته های خواهان که درواقع خواسته ی اصلی شمرده می شود خواسته ابطال چک از سوی صادرکننده و یا ابطال ظهرنویسی از سوی ظهرنویس و یا ابطال ضمانت از سوی ضامن است. دعوای ابطال چک و ابطال ظهرنویسی و ابطال ضمانت سه دعوای حقوقی کاملاً مستقل محسوب می شود. اما با توجه به این که تمامی قواعدی که در دعوای ابطال چک وجود دارد در دعوای ابطال ظهرنویسی و ضمانت هم بکار می رود و همچنین خواسته اصلی در هر سه ابطال یک عمل حقوقی است و از این لحاظ با هم شباهت کامل دارد برای جلوگیری از تکراری بودن مباحث به این سه دعوا در ضمن یک گفتار توضیح داده می شود. در عمل حقوقی « قابل ابطال », طرفی که حق ابطال دارد می تواند از آن صرفنظر کند و به طور صریح یا ضمنی آن را تنفیذ سازد. ولی، مفهوم « قابل ابطال » در حقوق ما اصطلاحی است بیگانه که جنبه استثنایی دارد. در واقع عمل حقوقی قابل ابطال عملی است که از آغاز بوسیله اشخاص مورد حمایت قانونگذار قابل حذف است و به همین جهت نیز آن را در شمار اعمال حقوقی باطل آورده اند، جز این که بطلان آن نسبی است. در واقع قابلیت ابطال، ضمانت اجرای بطلان نسبی عمل حقوقی است، بدین معنی که، هرگاه مبنای بطلان حمایت از حقوق اشخاص معین باشد، قانونگذار سرنوشت عمل حقوقی را به دست آنها می سپارد تا بتواند ابطال آن را از دادگاه بخواهد و نهاد مزاحم و زیانبار را از سر راه خود بردارند، مفهوم قابلیت ابطال در حقوق ما بیگانه یا دست کم نادر است. در حقوق ما یا عقد باطل است و هیچ اثر حقوقی

ندارد یا غیرنافذ و قابل فسخ. بنابراین باید منظور از عمل حقوقی قابل ابطال را همان عمل حقوقی باطل دانست. باطل حالتی است که در آن عمل حقوقی وجود حقوقی پیدا نمی کند، خواه در نتیجه واقع نشدن عمل یا بدون موضوع بودن آن و خواه به دلیل منع قانون از نفوذ عمل حقوقی نامشروع در عدم نفوذ هم عمل اثر حقوقی ندارد و بی اعتبار است. منتها چون ارکان اساسی عمل حقوقی وجود دارد و نقضی را که سبب بی اعتباری آن شده است می توان جبران کرد، این عنوان با « باطل » تفاوت فاحش پیدا می کند. بدین ترتیب عدم نفوذ به معنی عام کلمه بر هر عمل که دارای اثر حقوقی نباشد گفته می شود. ولی به معنی خاص، عدم نفوذ ویژه عمل حقوقی ناقصی است که قابلیت کمال را دارد و با ضمیمه شدن رضایت بعدی حیات حقوقی می یابد. عمل صدور چک نیز مستقل از منشاء صدور یک عمل حقوقی است که طرفین آن صادرکننده چک و دارنده هستند و علی الاصول از همه ی شرایط اعمال حقوقی از جمله اهلیت، قصد و رضا، موضوع معین و مشروعیت جهت پیروی می کند. همچنین نظر به این که ظهرنویسی و ضمانت یکی از عمل حقوقی و ارادی است بنابراین رعایت شرایط اساسی صحت در معاملات موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی ضروری است. وجود اعلام انطباق و سلامت اراده ظهرنویس و ضامن، فقدان اجبار، اکراه، اشتباه در ظهرنویسی و ضمانت ارادی سند مزبور را می توان از شرایط ماهوی در ظهرنویسی و ضمانت چک شناخت. به عنوان مثال شخص بدهکار اعم از این که منشاء بدهی وی عمل حقوقی باشد یا واقعه حقوقی، برای تادیه دین خود چک را به طلبکار پیشنهاد می کند. « البته ممکن است پیشنهاد از ناحیه طلبکار صورت پذیرد » و با پذیرش وی مواجه شود. در این صورت بدهکار « صادرکننده یا ظهرنویس » مبادرت به تنظیم « یا ظهرنویسی » چک مورد نظر نموده و آنگاه آن را به طرف مقابل تسلیم می نماید. در این مرحله است که تسلیم کننده چک را صادرکننده یا ظهرنویس، گیرنده را دارنده و عمل انجام یافته را عمل صدور چک یا ظهرنویسی می نامیم. بنابراین صدور چک توسط صادرکننده و همچنین ظهرنویسی توسط ظهرنویس، مستلزم تحقق دو عمل حقوقی جداگانه است: ۱ - تنظیم ۲ - تسلیم. (اسکینی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۳) شرایطی که فقدان آنها باعث ابطال چک یا ابطال ظهرنویسی و ضمانت می شود عبارتند از: ۱ - فقدان قصد و رضا ۲ - فقدان اهلیت ۳ - عدم مشروعیت جهت.

دوم - توقیف عملیات اجرایی: خواهان دعوای ابطال بسته به این که دارنده علیه وی طرح

اقامه دعوا نموده باشد یا خیر شرایط متفاوتی را خواهد داشت. در فرضی که دارنده هنوز علیه خواهان دعوای ابطال، دعوایی را اقامه ننموده وی می تواند دادخواست ابطال اعم از چک یا ظهرنویسی یا ضمانت را تقدیم دادگاه نموده و با اثبات ادعای خود از مسئولیت خارج شود. اما ممکن است قبل از این که صادرکننده یا ظهرنویس یا ضامن دعوای ابطال را طرح کنند دارنده علیه آنها به خواسته مطالبه وجه مندرج در چک اقامه دعوا نموده باشد. در این مورد نیز صادرکننده یا هر یک از ظهرنویسان یا ضامنین آنها در جلسه اول دادرسی می تواند دعوای ابطال را در قالب دعوای تقابل طرح نمایند. در این صورت نیازی به اقامه دعوای مجزا نخواهد بود. اما اگر دعوای تقابل طرح نکنند و در دعوای اصلی محکوم به پرداخت وجه مندرج در چک به دارنده شوند و این حکم به مرحله اجرا برسد هر یک از صادرکننده و ظهرنویس و ضامن که مدعی ابطال چک یا ظهرنویسی و ضمانت هستند می توانند علاوه بر خواسته ابطال، برای جلوگیری از اجرای رأی که قبلاً علیه آنها صادر شده خواسته توقیف عملیات اجرایی رأی مزبور را به خواسته ابطال ضمیمه کنند. همچنین است اگر دارنده علیه صادرکننده از طریق اجرای ثبت اقدام نموده باشد. (رضوی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲)

سوم - دستور موقت منع پرداخت وجه چک: یکی از خواسته های که صادرکننده چک ضمن دعوای ابطال چک می تواند طرح کند تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت وجه چک است. اداره حقوقی قوه قضاییه در این خصوص معتقد است: « در صورتی که صادرکننده چک، مدعی عدم استحقاق دارنده چک باشد، می تواند با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی با تقدیم دادخواست، ضمن ادعای بی اعتباری چک و استرداد لاشه آن تقاضای صدور دستور موقت را بر عدم پرداخت وجه چک، از طرف بانک با رعایت مقررات مربوطه بنماید. » (بازگیر، ۱۳۹۷، ص ۲۵۱)

گفتار دوم: استرداد چک

در این گفتار بر آنیم تا دعوای استرداد چک که بعد از دعوای مطالبه وجه شایعترین دعوای حقوقی نسبت به چک محسوب می شود. را بررسی نماییم. دینفع دعوای استرداد دادخواست خود را باید به دادگاه صالح تسلیم نماید. از منظر قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی دعوای استرداد در صلاحیت مراجع قضایی عمومی بدوی است. از

منظر قواعد مربوط به صلاحیت محلی با توجه به ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه محل اقامت خوانده به عنوان اصل و قاعده عام صلاحیت قابل پذیرش است. مدعی استرداد چک بعد از مشخص شدن دادگاه صالح برای احقاق حق خود و طرح دعوا علیه مدعی علیه باید انجام دهد دادن دادخواست است. در دادخواست مواردی همچون، مشخصات خواهان و خوانده و تعیین خواسته و بهای آن و سایر مواردی که در ماده ۵۱ آمده ذکر می شود. در اینجا از موارد مندرج در دادخواست تعیین خواسته و بهای آن را توضیح می دهیم.

خواهان باید خواسته خود را در قسمت مربوط آن در دادخواست مشخص نماید همچنین با توجه به این که دعوای استرداد چک را از دعوای مالی دانستیم خواهان باید علاوه بر خواسته، بهای آن را در دادخواست تصریح کند. تعیین بهای خواسته به مفهوم مشخص کردن ارزش ریالی یا تقویم آن به ریال، وج رایج کشور می باشد. در تمام مواردی که خواسته وجه رایج ایران است تقویم آن موضوعاً منتفی بوده و نوشتن مبلغ مورد تقاضا کفایت می کند. بنابراین در دعوای حقوقی استرداد چک که از سوی صادرکننده طرح می شود خواسته عبارت است از: استرداد چک به مبلغ... و همچنین بدو توقیف عملیات اجرایی با انضمام کلیه خسارات قانونی اعم از هزینه دادرسی، حق الوکاله و....

سوالی که در اینجا قابل طرح می باشد این است که آیا استرداد چک فقط از سوی صادرکننده قابل طرح است یا این که مثلاً هر یک از ظهرنویسان نیز امکان اقامه این دعوا را دارند؟ در پاسخ باید بیان داشت به نظر می رسد که ظهرنویس نیز بتواند استرداد چک را از دارنده خواستار شود. در واقع بعد از صدور چک توسط صادرکننده و دادن آن به دارنده « ظهرنویس » قبل از اینکه ظهرنویس آن را ظهرنویسی کند چک در ید او بوده و او مالک محسوب می شده است. بنابراین اگر به عنوان مثال ظهرنویس ثابت کند که وجه مندرج در چک را به دارنده پرداخته حق دارد استرداد چک را خواستار شود تا بتواند از طریق آن به ظهرنویسان قبل از خود و صادرکننده مراجعه نماید و از حقوق مندرج در سند استفاده نماید.

سوال دیگر این که دعوای استرداد چک فقط علیه دارنده اول امکان پذیر است یعنی در جایی که چک ظهرنویسی نشده و دستنگشته یا اینکه حتی در صورت ظهرنویسی صادرکننده می تواند علیه دارنده با واسطه دعوای استرداد چک را مطرح نماید؟ در پاسخ به این سوال به نظر می رسد که استرداد چک فقط در روابط بلافصل بین شخصی که

خواهان استرداد چک است اعم از صادرکننده یا ظهرنویس و دارنده قابلیت طرح را دارد نه در برابر دارنده با واسطه و با حسن نیت. زیرا در اینجا اصل عدم توجه ایرادات و اصل استقلال امضات در برابر دارنده با حسن نیت مانع از امکان استرداد چک می شود. به عنوان مثال اگر صادرکننده چکی را صادر و آن را در اختیار الف قرار دهد و الف نیز آنرا ظهرنویسی نموده و به ب منتقل کند و ب آن را به ج و ج آن را به د انتقال دهد، اگر صادرکننده در زمان صدور یا تسلیم چک به دارنده فاقد قصد و رضا بوده باشد با اینکه با اثبات این موضوع در برابر دارنده با واسطه از مسئولیت پرداخت وجه چک خارج می شود اما نمی تواند استرداد لاشه چک را خواستار شود. زیرا در این برگه به غیر از تعهد صادرکننده تعهدات دیگری نیز توسط هر یک از ظهرنویسان صورت گرفته که مستقل از تعهد صادرکننده می باشد و بی اعتباری تعهد صادرکننده به تعهدات دیگر خللی وارد نمی آورد. بنابراین اگر صادرکننده بتواند چک را مسترئ کند در واقع در حق دارنده اجحاف صورت گرفته است. بنابراین در این موارد چک قابل استرداد نیست و دارنده می تواند به استناد آن به دیگر مسئولان مراجعه نماید. استثنا در این مورد ادعای پرداخت وجه چک به دارنده با واسطه و یا با سوءنیت بودن دارنده است. (قائم مقام فراهانی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۰)

بند اول: ابطال و بی اعتباری چک

یکی از جهاتی که خواهان می تواند استرداد چک را خواستار شود، ادعای ابطال و بی اعتباری چک است. ادعای ابطال چک را می توان در قالب یک دعوای مستقل نیز طرح نمود. موارد ابطال فقدان شرایط مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی می باشد. در واقع با توجه به این که عمل صدور و تسلیم چک، مستقل از عقد مبنای صدور، خود یک عمل حقوقی ارادی محسوب می شود باید دارای شرایط مذکور باشد. بنابراین براساس این ادعا اگر خواهان بتواند ثابت کند که عمل صدور چک و تسلیم آن بنا بر علل مذکور باطل بوده است دارنده استحقاق مطالبه وجه مندرج در چک را براساس سند مزبور نداشته و باید لاشه چک را مسترد دارد. البته در اینجا شرایط دعوای ابطال نیز باید وجود داشته باشد. یعنی دعوای ابطال چک و به تبع آن استرداد چک فقط از طرف صادرکننده و علیه دارنده اول قابل طرح است. در واقع این دعوا در صورتی قابلیت طرح را دارد که چک ظهرنویسی نشده و دست به دست نگشته باشد و روابط بی واسطه باشد. زیرا در موردی که چک ظهرنویسی شده باشد

اصل استقلال امضاءات و اصل تجربیدی بودن مانع از پذیرش دعوای ابطال چک و در نتیجه استرداد آن به این جهت است و صادرکننده تنها می تواند فقدان شرایط مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی و باطل بودن عمل حقوقی صدور را به عنوان یک ایراد و دفاع در دعوایی که احتمالاً دارنده علیه او طرح می کند بیان نماید. و در صورت اثبات از مسئولیت خارج شود. (عرفانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۲)

بند دوم: ابطال و بی اعتباری تعهد منشاء

صدور چک معمولاً مسبوق به وجود تعهد یا رابطه ی حقوقی است که آن را تعهد پایه یا مبنا یا منشا می نامند. لیکن چک تجاری تنظیمی مستقل از روابط حقوقی قبلی و حتی ممکن است جهت کسب اعتبار راساً صادر گردد. پس از صدور چک به طور صحیح تعهد پیشین اعم از این که یک رابطه حقوقی مدنی یا تجارتی و یا ناشی از جرم یا شبه جرم و یا اثر بلاسبب و... بوده باشد به یک رابطه و تعهد براوتی تبدیل می شود. که تعهدی مجزا، مستقل و منفک از تعهد قبلی است. اصل عدم ایرادات اطلاق خود را در روابط شخصی میان طرفین بلافصل از دست می دهد. لذا اگر متعهد ایراد نماید، که تعهد یا رابطه حقوقی سابق و علت صدور چک متنازع فیه شده به جهتی از جهات قانونی ساقط و یا منحل و یا باطل گردیده و یا اینکه پس از صدور چک موصوف به واسطه وفای به عهد، اقاله، ابراء، تبدیل تعهد، تهاوتر، مالکیت ما فی الذمه، فسخ، انفساخ، منفسخ و... از بین رفته و یا اینکه این چک به موجب نوشته دیگر در نزد وی به صورت امانت بوده است و ایراداتی از این قبیل در این حالت ایراد خوانده علی رغم اصل عدم توجه ایرادات استماع می شود و استثناء بر اصل است. البته صرفاً در مورد طرفین بلافصل و قائم مقام قانونی قهری « صادرکننده و گیرنده اولی » قابل اعمال است. ولی اگر چک به گردش درآمد یا به طور غیرقهری منتقل شد دیگر این گونه ایرادات در برابر ایادی بعدی قابل استناد نیست. (ایرانزاد، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸)

نتیجه گیری

دعای مختلفی را می توان در خصوص چک مطرح نمود که در عمل و رویه قضایی به دو دعوای مطالبه وجه مندرج در چک به انضمام خسارتهای قانونی و دعوای ابطال و استرداد چک بیشتر از سایر دعوای پرداخته شده است. مبنای دعوای مربوط به ابطال چک، ابطال ظهنروسی و ابطال ضمانت علی الاصول فقدان شرایط ماهوی چک، وجود قصد و رضا و

اهلیت در شخص امضا کننده است. بنابراین اگر خواهان دعاوی ابطال، بتواند ثابت کند که در هنگام امضا، اهلیت نداشته و یا در امضا اکراه یا اجبار شده است، می تواند در این دعاوی پیروز گردد. از جمله دعاوی شایع دیگر در چک، دعاوی استرداد چک می باشد، که ممکن است بر مبنای ابطال و بی اعتباری چک به جهت فقدان شرایط ماهوی، ابطال و بی اعتباری تعهد منشاء در روابط بلا فصل، فسخ، انفساخ، و سقوط تعهدات روی دهد. چک به عنوان یکی از شاخص ترین اسناد تجاری، وسیله ای است که اگر به طور صحیح مورد استفاده قرار گیرد، ثمرات آن در شکوفایی تجارت و اقتصاد کشور غیر قابل انکار خواهد بود. بالعکس، بکارگیری چنین سندی در جهت خلاف اهدافی که برای آن در نظر گرفته است و از طرفی عدم کنترل قانونی موجب سلب اعتماد عمومی و خصوصاً تجار می گردد و در نهایت سیستم تجارت و اقتصاد کشور بیمار گشته و سوء استفاده از این اسناد بالا می گیرد. اغلب پرداختها خصوصاً در داخل کشور با استفاده از این سند معمول است. با این حال در چک نواقص قانونی و نیز عدم توجه استفاده کنندگان از چک به مقررات موجود، از جمله عللی است که موجب بروز دعاوی راجع به چک شده و متأسفانه درصد بالایی از کل دعاوی مطروحه نزد مراجع قضایی، ناشی از این امر می باشد. در چک مرور زمان های یک ساله و دو ساله، پنج ساله و ده ساله باید رعایت شود. ضمانت اجرای عدم رعایت مرور زمان های یک ساله و دو ساله پس از گواهی عدم پرداخت برای طرح دعوی، موجب سقوط حق اقامه دعوی دارنده علیه ظهرنویسان و در برخی از موارد علیه صادر کننده چک خواهد شد. چنانچه چکی که به یک شخص حقوقی متعلق است، به وسیله تمامی اشخاص که صلاحیت صدور چک را دارند، امضا نشده باشد و یا شرایط اساسنامه شرکت در خصوص صدور این گونه چک ها رعایت نشده باشد، پیرامون مسئولیت حقوقی و کیفری امضا کننده تردید چندانی وجود ندارد، لیکن در خصوص مسئولیت حقوقی شرکت و شخص حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. عدم رعایت شرایط شکلی در اسناد تجاری به ویژه چک موجب آن می شود که شخصی که مورد رجوع قرار گرفته است بتواند در مقابل خواهان، به ایراداتی چون ایرادات مربوط به عدم رعایت شرایط شکلی استناد کند. گرچه قانونگذار در قانون تجارت شرایطی را برای چک در هنگام صدور ذکر می کند، اما باید خاطر نشان ساخت که فقدان برخی از شرایط در هنگام صدور چک، تاثیری در اعتبار سند تجاری از حیث چک بودن نخواهد داشت. کلیه مسئولین چک می توانند در برابر دارنده آن به ایراداتی که موسوم به

ایرادات مربوط به شرایط ماهوی می باشد، استناد کنند و با اثبات آنها خود را از مسئولیت مبری بدانند. ایراداتی چون فقدان قصد و رضا در امضا کننده، فقدان اهلیت امضا کننده، نامشروع بودن جهتی که چک به خاطر آن صادر شده است می تواند، هر یک از مسئولین سند تجاری را که این ادعا را ثابت نمودند، از مسئولیت مبری کند. بنابراین دعاوی ابطال چک، ظهرونی و ضمانت، بدین جهت قابلیت طرح و اثبات را در محکمه داشته و مدعی باید بر طبق قواعد عمومی دادرسی نسبت به این موارد اقدام کند. براین اساس می توان اظهار نمود که چون چک به عنوان یک سند تجاری، از گردش زیادی در جامعه برخوردار است و نزد مردم نیز از مقبولیت زیادی برخوردار می باشد.

منابع و مأخذ

- ۱ - اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، جلد سوم، انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- ۲ - ایران نژاد، محمدرضا، مباحث کاربردی چک در ایران، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۶.
- ۳ - باختر، سید احمد، قانون صدور چک در نظم حقوقی کنونی انتشارات خط سوم، ۱۳۹۸.
- ۴ - رضوی، علی اصغر، قانون صدور چک و مسائل پیرامون آن، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- ۵ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۸.
- ۶ - حسنی، حسن، حقوق تجارت، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- ۷ - زینالی، توحید، حاشیه ای بر قانون صدور چک، انتشارات چراغ دانش، ۱۳۹۸.
- ۸ - ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، انتشارات دادگستری، ۱۳۹۰.
- ۹ - شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد نخست، انتشارات دراک، ۱۳۹۴.
- ۱۰ - صباغیان؛ حسین، ویژگی ها و مزایای اسناد تجاری، انتشارات جنگل، ۱۳۹۶.
- ۱۱ - عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد سوم، انتشارات میزان، ۱۳۹۵.
- ۱۲ - قائم مقام فراهانی، محمدحسین، راهنمای طرح دعاوی چک، نشر دادگستر، ۱۳۹۵.
- ۱۳ - کاویانی، کورش، حقوق اسناد تجاری، انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- ۱۴ - ساردوئی نسب، محمد، چک الکترونیکی، مجله حقوق خصوصی، دوره دهم، ۱۳۹۲.
- ۱۵ - مسعودی تفرشی، بابک، مقررات چک در قانون تجارت، مجله شهردانش، شماره دو، ۱۳۹۳.

